

مذاکره هسته ای ایران و آمریکا

ادامه از صفحه یک

مانیز با کارآفرین یا همان آنتروپرون امریکایی که می خواهد از فرصت سرمایه گذاری اقتصادی در ایران استفاده کند مخالفتی نداریم اما چند ماه بعد از حمله آمریکا و اسرائیل به ایران متوجه شدیم که مقام معظم رهبری بسیار هوشمندانه چهره واقعی آمریکا و ترامپ را به مردم ایران و جهانیان و حتی مردم امریکا نمایاندن که اگر ترامپ به دنبال منافع اقتصادی آمریکا بود و اگر نگاهی متخاصمانه به ایران و انرژی صلح آمیز کشورمان نداشت در طول مذاکرات عمان و ایتالیا به دنبال منافع نامشروع اسرائیل و نتانیاهو نمی بود و با غنی سازی ۵/۳ درصد در خاک ایران که حق مسلم مردم ایران می باشد مخالفت نمی کرد زیرا جمهوری اسلامی ایران بر مبنای فتوای شرعی مقام معظم رهبری هیچ گاه دنبال ساخت سلاح کشتار جمعی و بمب هسته ای نبوده و همچنین در چارچوب برجام هم این تضمین را نه تنها به آمریکا بلکه به پنج کشور اروپایی دیگر داده بود و تنها خواسته جمهوری اسلامی ایران حفظ قدرت غنی سازی صلح آمیز هسته ای زیر نظر بارزاسن آژانس انرژی اتمی می باشد. حتی جمهوری اسلامی ایران حاضر بود غنی سازی را به ۵/۳ درصد محدود کند اما این علم غنی سازی هسته ای که همچون ملی شدن صنعت نفت کشور حق مسلم برای ایران و ایرانی محسوب می شود را از این آب و خاک بی نصیب و بی بهره نکنند زیرا نه تنها ایران قرن ها مهد علم و فناوری بوده و دانشمندان بزرگی همچون خوارزمی و خیام و زکریای رازی و اکنون دانشمندان هسته ای را در خود پروارنده بلکه سابقه تخصص و حمله به کشوری را در تاریخچه خود ندارد و سالها دانشمندان هسته ای را در راه کسب این علم در مقام شهادت از دست داده است و گروسی هم اذعان کرد مشاهداتی مبنی بر ساخت بمب هسته ای در تاسیسات ایران ندیده است اما از ترامپی که در کاخ سفید مدتی برای نتانیاهو تنظیم می کند نباید انتظار داشت حداقل دنبال منافع اقتصادی آمریکا باشد بلکه باید منتظر بود تا منافع ضدبشری و ضد انسانی و ضد میهنی نتانیاهو و اسرائیلی صهیونی را در راستای برنامه ریزی برای تجزیه ایران و پیاده سازی و مطرح کند منافعی سلطه گرایانه می و بی منطق که می خواهد تمام کشورهای منطقه تحت سلطه رژیم نامشروع اسرائیل باشند؛ حتی دموکرات ها و بعضاً اعضای جمهوری خواه مجلس آمریکا هم مخالف رویکردهای ترامپ و دولتش هستند. هرچند دیگر مکاتیبسم ماشه مبنی بر بردن ایران زیر فصل هفت سازمان ملل بی معناست زیرا آمریکا و اسرائیل با حمله به ایران مکاتیبسم ماشه را استفاده کردند و دیدند مردم در یک وفاق مثال زنی کنار نظام جمهوری اسلامی ایران ایستادند و دیگر جنگ با ایران راه حلی برای دستیابی به اهداف تجزیه طلبانه اسرائیل نیست، اما باید از ترامپ بپرسیم برجام که در دولت تدبیر و امید و دولت اوباما و پنج کشور اروپایی امضا شد و بنا به گفته دکتر البرادعی رئیس اسبق آژانس انرژی اتمی بالاترین و بیشترین تضمین را به دنیا می داد که جمهوری اسلامی ایران به سمت سلاح هسته ای نمی رود چه ایرادی داشت که آن را پاره کردی؟ آیا اگر قراردادی توسط خودت امضا نشود مستحق پاره شدن است آیا پاره کردن برجام بی اخترامی به شرکای خودتان یعنی پنج کشور اروپایی دیگر نیست؟ وینکف و ترامپ ، کاخ سفید و مجلس نمایندگان آمریکا و اروپا و دنیا چه تضمینی به مردم ایران می دهند که ترامپ واقعا دنبال مذاکره باشد نه دنبال غارت سرمایه مردم ایران که دانشمندان هسته ای کشور و زیرساخت های انرژی صلح آمیز کشور است؟ مگر جولانی رئیس جمهور خودخوانده سوریه در برابر تمام مفاد و قراردادهای آمریکا و ترامپ دست تسلیم را بالا نیاورد پس چرا مجدد اسرائیل به سوریه حمله کرد؟ آیا با ترامپی که گریلند شمالی را حق ایالات متحده می داند ، کاندا را ایالتی از آمریکا قلمداد می کند و خلیج مکزیک را خلیج آمریکا نام گذاری می کند و برجام را که حاصل سالها مذاکرات فشرده بین شش کشور و جمهوری اسلامی ایران بود را پاره می کند می شود مذاکره کرد؟! خبر به این ترامپ با این مواضع اطمینان و اعتمادی نیست و باید دست روی ماشه با وی مذاکره کرد و اکنون متوجه می شویم چرا مقام معظم رهبری مثل همیشه هوشمندانه فرمودند مذاکرات غیرمستقیم انجام شود زیرا دولت تمامیت خواه ترامپ آشکارا کنار جنایات نتانیاهو ایستاده و از آن دفاع می کند، اروپایی ها در مواضع خویش می گویند نتانیاهو و اسرائیل کارهای کثیف ما را انجام می دهد حتی اروپا هم به کثیف بودن اقدامات اسرائیل اعتراف دارند اما ترامپ تسلیحات هم برای آنها وارد می کند و انرژی صلح آمیز هسته ای جمهوری اسلامی ایران را به بهانه اینکه خطری برای وجود نامشروع اسرائیل است تهدیدی برای رژیم شغالگر قدس قلمداد می کند.

از سوی دیگر سخنگوی دولت در واکنش به اعتراضات به لایحه پرسرو صدا و خبرساز «مقابله با انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی»، پاسخی داده که بیشتر یادآور اتهام زنی‌های روزنامه کیهان و تندروها درموارد مشابه است. فاطمه مهاجرانی معترضان به این لایحه را به «نخواندن متن لایحه» متهم کرده و گفته است «کسانی که نسبت به این لایحه نقد دارند حتماً لایحه را کامل بخوانند.» واکنشی که البته جای تعجب دارد.

معیار حقیقت چیست؟

مهرداد خدیر در عصر ایران نسبت به خانم سخنگو و این لایحه واکنش نشان داد و می نویسد: مطابق این لایحه دختر سردار شادمانی هم که گفته "شهادت پدرم در بمباران نبوده بلکه در پی تعقیب و گریز بوده" می‌تواند متهم به نشر محتوای "خلاف واقع" شود چون در اطلاعیه رسمی -که حکم امر واقع را دارد- تصریح شده بود "ناشی از جراحات بمباران بوده". مگر امر واقع مالک مشخصی دارد که بتوان خلاف واقع را شناخت؟ او در بخش دیگری از یادداشت خود نوشته است: در هنگامهٔ مخالفت و شگفتی فعالان سیاسی و مدنی و حقوق‌دانان مستقل از لایحهٔ "مقابله با انتشار محتوای خلاف واقع در فضای مجازی" که دو فوریت آن را هم مجلس تصویب کرده تصور می‌شد خانم سخن‌گوی دولت در مقام دفاع با توجیه بگوید در واقع لایحهٔ دولت نیست و از قوهٔ قضائیه آمده و بیش از این نه می‌توانستیم تغییر دیدیم و نه آن را نگاه داریم و به ناچار به مجلس شورای اسلامی ارایه شد.

او اما این را نگفته بلکه توصیه کرده کسانی که نقد دارند لایحه را کامل بخوانند و توضیح داده در صورت تصویب دربارهٔ حساب‌ها و کاتال‌هایی که بیش از ۹۰ هزار دنبال کننده دارند قابل اجرا خواهد شد. بدین ترتیب اولاً مسؤولیت لایحه را پذیرفته ثانیاً چهره‌های شاخصی که در میان آنها تدریس‌کنندگان حقوق مطبوعات نیز دیده می‌شوند به مطالعه شتاب زده و ناقص متهم شده‌اند ثالثاً خاطر حساب‌ها و کاتال‌هایی را که زیر ۹۰ هزار دنبال‌کننده دارند آسوده کرده‌اند چنانچه ۸۹ هزار و ۹۹۹ فالوئر دارند از شمول این لایحه/قانون خارج خواهند بود!

همان‌گونه که صدا و سیما بر سر منتقدین خود مت گذاشت که در ایام جنگ ۱۲ روزه به سخن‌گوی دولت تریبون و فرصت داد ایشان هم فرموده‌اند باب نقد باز است و پیشپادها بررسی می‌شود. با سیاس از سرکار خانم دکتر که دست‌کم باب نقد را نیستند یک فقره نقد با ذکر مصداق داغ ارایه می‌شود:

در همین عبارت سه بار کلمهٔ "واقعیت" آمده و یک جا هم مرجع ضمیر "آن" است و می‌شود ۴ بار.
با این وصف لابد واقعیت بر تنظیم‌کنندگان مشکوف است و بر اساس آن می‌توان دریافت مایه‌از دارد را نه تحریف و پنهان شده یا نه. با تعبیر "تشویش اذهان" کاری نداریم که یادآور دوران سیاه سعید مرتضوی است و دون شأن این دولت است که از کلماتی که بر کار داریم و می‌خواهیم بپرسیم مگر واقعیت همیشه مشکوف است یا باید به بخشی از تلاش رسانه‌ها و فعالان سیاسی و حقوقی برای یافتن واقعیت نیست؟ تازه تمام واقعیت با بخشی از واقعیت متفاوت است.

استاد مصطفی ملکیان برای روشن فکر دو وظیفه برمی‌شمرد: تقییر حقیقت و تقلیل مررات. اگر حقیقت کالایی بود که در هر بازاری یافت می‌شد که نیاز به تقریر نداشت! تازه حقیقت جنبهٔ آرمانی دارد و واقعیت به فکت نیاز دارد.

احمد زیدآبادی هم نوشته است: "اگر کسی کمترین آشنایی با روند تطور فلسفهٔ شناخت در طول تاریخ داشته باشد قاعدتا می‌داند که همهٔ نزاع‌های فلاسفه و دانشمندان و فرمانروایان و مردم عادی معمولاً بر سر تشخیص همین امر واقع و خلاف آن بوده است! به راستی امر واقع چیست و پدیده‌ای چنین سخت و غامض چگونه دستمایهٔ قانونی شده تا بتوان با استناد به آن شهروندان را مجازات و از نوشتن و گفتن محروم کرد؟"

چپا شخص به دنبال امر واقع یا حاق واقع بوده. حالا به خلاف واقع متهم شود؟! چرا به جرایم سیاسی و مطبوعاتی با حضور هیأت منصفه رسیدگی می‌شود؟ چون شخص دغغهٔ شخصی نداشته و لو خطا کرده باشد و به خاطر همین وجدان عمومی باید تشخیص دهد مجرم است یا نه و نگفته اند با امر واقع تطبیق دهد. کل تلاش برای کشف همان واقعیت است! حال که از بابتی که خانم دکتر باز گذاشته‌اند وارد شده‌ایم فرصت را مغتنم شمیریم و یک مثال ملموس و

ناظر به حوادث جنگ ۱۲ روزه بیاوریم:
همین یک‌ماه پیش و فردای آتش‌پس در چهارم تیر فراگراه مرکزی خاتمالانلیبا اعلام کرد " سردار علی شادمانی، فرمانده این قرار گاه که در حملهٔ هفتهٔ گذشتهٔ رژیم صهیونیستی به شدت مجروح شده بود، به شهادت رسید." علت آن هم این گونه اعلام شد: جراحات شدید ناشی از بمباران رژیم منحوس.

دولت تریبون و فرصت داد ایشان هم فرموده‌اند باب نقد باز است و پیشپادها بررسی می‌شود. با سیاس از سرکار خانم دکتر که دست‌کم باب نقد را نیستند یک فقره نقد با ذکر مصداق داغ ارایه می‌شود:

در همین عبارت سه بار کلمهٔ "واقعیت" آمده و یک جا هم مرجع ضمیر "آن" است و می‌شود ۴ بار.
با این وصف لابد واقعیت بر تنظیم‌کنندگان مشکوف است و بر اساس آن می‌توان دریافت مایه‌از دارد را نه تحریف و پنهان شده یا نه. با تعبیر "تشویش اذهان" کاری نداریم که یادآور دوران سیاه سعید مرتضوی است و دون شأن این دولت است که از کلماتی که بر کار داریم و می‌خواهیم بپرسیم مگر واقعیت همیشه مشکوف است یا باید به بخشی از تلاش رسانه‌ها و فعالان سیاسی و حقوقی برای یافتن واقعیت نیست؟ تازه تمام واقعیت با بخشی از واقعیت متفاوت است.

استاد مصطفی ملکیان برای روشن فکر دو وظیفه برمی‌شمرد: تقییر حقیقت و تقلیل مررات. اگر حقیقت کالایی بود که در هر بازاری یافت می‌شد که نیاز به تقریر نداشت! تازه حقیقت جنبهٔ آرمانی دارد و واقعیت به فکت نیاز دارد.

احمد زیدآبادی هم نوشته است: "اگر کسی کمترین آشنایی با روند تطور فلسفهٔ شناخت در طول تاریخ داشته باشد قاعدتا می‌داند که همهٔ نزاع‌های فلاسفه و دانشمندان و فرمانروایان و مردم عادی معمولاً بر سر تشخیص همین امر واقع و خلاف آن بوده است! به راستی امر واقع چیست و پدیده‌ای چنین سخت و غامض چگونه دستمایهٔ قانونی شده تا بتوان با استناد به آن شهروندان را مجازات و از نوشتن و گفتن محروم کرد؟"

چپا شخص به دنبال امر واقع یا حاق واقع بوده. حالا به خلاف واقع متهم شود؟! چرا به جرایم سیاسی و مطبوعاتی با حضور هیأت منصفه رسیدگی می‌شود؟ چون شخص دغغهٔ شخصی نداشته و لو خطا کرده باشد و به خاطر همین وجدان عمومی باید تشخیص دهد مجرم است یا نه و نگفته اند با امر واقع تطبیق دهد. کل تلاش برای کشف همان واقعیت است! حال که از بابتی که خانم دکتر باز گذاشته‌اند وارد شده‌ایم فرصت را مغتنم شمیریم و یک مثال ملموس و

شاید بگویند منظورمان دروغ است. بسیار خوب، مگر برای نشر اکاذیب قانون نداریم؟ این دیگر چیست؟ ضمن این که اگر به اصحاب قدرت سپرده شود طبعاً همیشه در ابتدا تکذیب می‌کنند. مگر در قوانین متعدد برای نشر اکاذیب مجازات تعیین نشده؟

بزرگه تاریخی دولت پزشکیان

نور نیزوز در گزارشی می نویسد: دولت در بزرنگاهی تاریخی قرار دارد. سکوت در برابر اعتراض‌های نجبگانی نسبت به لایحه مقابله با اخبار غیرواقعی، به‌معنای

استرداد لایحه حرکت به سمت حکمرانی گفت‌وگویی است

بزرنگاه تاریخی دولت در برابر افکار عمومی

گروه سیاسی- تنها یک روز پس از تصویب دوفوریت لایحه «مقابله با انتشار اخبار غیرواقعی در فضای مجازی» در مجلس شورای اسلامی، موجی از درخاست‌های فعالان رسانه‌ای و سیاسی و حقوقی از دولت برای اعلام استرداد لایحه از مجلس به پا خاسته است. برخی از چهره‌های سیاسی و فرهنگی و حتی تعدادی از نمایندگان مجلس، با شامت رئیس‌جمهور اعلام کرده‌اند که اقدام دولت در ارسال لایحه به مجلس با شعارهای وفاق‌گرایانه مسعود پزشکیان همخوانی ندارد و حتی ناقض سیاست اعلامی او در اعلام آمادگی برای گفت‌وگو با اپوزیسیون است.



نادیده گرفتن حساس‌ترین لایه‌های اجتماعی و تحریب سرمایه اعتماد عمومی خواهد بود. دولت می‌تواند این لایحه را مسترد کند. استرداد لایحه، نه شکست است و نه عقب‌نشینی؛ بلکه یک گام مهم در جهت بازسازی رابطه دولت و جامعه است.

پس از این انتقادات، اخبار جسته گریخته‌ای منتشر شده که حکایت از آن دارد رئیس‌جمهور، نجبگان حقوقی و رسانه‌ای را به نشست مشترک بینینی با وزیر دادگستری فراخوانده تا منتقدان و پائیان لایحه در فضایی فرهنگی و علمی درباب ابعاد مختلف موضوع مباحثه کنند و به جمع بندی نهایی برسند تا رئیس‌جمهور بر اساس آن به تصمیمی نهایی برسد. البته خوب‌تری می‌بود که دولت، پیش از نهایی‌سازی و ارسال لایحه به مجلس، چنین نشست کارشناسانه‌ای در تدارک می‌دید تا در فضایی همدلانه‌تر درباره این موضوع خنبر تصمیم‌گیری می‌شد که به شرایط روانی جامعه ایران در دوران پساجنگ توجه شود.

ریشه‌های عمیق یک نگرانی

طی روزها و هفته‌های اخیر، موجی از واکنش‌ها در میان اصحاب رسانه، فعالان سیاسی و برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی نسبت به لایحه «مقابله با اخبار غیرواقعی در فضای مجازی» شکل گرفته است. این موج، البته صرفاً واکنشی ژورنالیستی، روزنامه‌های معتبر و چهره‌های سیاسی با گرایش‌های گوناگون، خواستار استرداد این لایحه از سوی دولت شده‌اند. منتقدان لایحه می‌گویند این درخواست، اگرچه از دل نهاد جامعه مدنی بیرون آمده، در حقیقت فرصتی برای دولت است تا به وعده‌های انتخاباتی خود در خصوص شفافیت، آزادی بیان و آمادگی برای گفت‌وگو با منتقدان پایبند بماند و از تجربه‌های گذشته عبرت گیرد.

لایحه‌ای که هدف اعلامی آن «مقابله با اخبار کذب در فضای مجازی» است، به‌طور گسترده با انتقاداتی مواجه شده است. ابهام در تعریف «خبر غیرواقعی»، نبود معیارهای شفاف برای تشخیص کذب‌بودن محتوا، سپردن داورى به نهادهای غیرمستقل، و فقدان توازن میان امنیت اطلاعات و آزادی بیان، از جمله ایرادهای جدی منتقدان این لایحه است. به گمان آنها تصویب چنین متنی، در عمل می‌تواند به سرکوب صدای منتقدان، تحدید رسانه‌های مستقل، و افزایش خودسانسوری در جامعه بینجامد.

درحالی‌که کشور نیازمند سیاست‌های رسانه‌ای مبتنی بر آموزش سواد رسانه‌ای، تقویت جریان آزاد اطلاعات، و بازسازی اعتماد عمومی است، این لایحه مسیر معکوسی را پیش می‌برد. خطای راهبردی، آن‌گاه مضاعف می‌شود که در نظر داشته باشیم جامعه ایرانی به‌تازگی از یک آزمون سربگوب شده با موفقیت نسبی عبور کرده است: جنگ ۱۲ روزه‌ای که با حملات

سنگین دشمن آغاز شد اما با وحدت و انسجام همه جناح‌ها و مردم، به دفاعی ملی تبدیل شد. در آن مقطع، رسانه‌ها، نجبگان، گروه‌های سیاسی، و حتی بدنه اپوزیسیون داخلی، همگی با حفظ خطوط قرمز، از امنیت ملی و ثبات کشور حمایت کردند.

اکنون ارسال چنین لایحه‌ای درست در پس‌زمینه همان فضای همدلی، نه‌تنها نادیده گرفتن آن لحظه تاریخی، بلکه چه بسا در تضاد با روح اعتمادسازی و گفت‌وگو میان دولت و جامعه مدنی است. دولت به‌جای سرمایه‌گذاری بر این سرمایه اجتماعی و تقویت گفت‌اوم همیستگی، نباید با ارسال چنین لایحه‌هایی، فضا را دوباره دوقطبی و ناامید کند.

تصویب دوفوریت لایحه و معنایش

یکی از نکات تعجب‌برانگیز در این روند، تصویب دوفوریت این لایحه در مجلس شورای اسلامی است. در شرایطی که افکار عمومی، انجمن‌های صنفی، و حتی برخی از نمایندگان مجلس خواستار بررسی دقیق‌تر و گفت‌وگوی شفاف در مورد مفاد لایحه بودند، تصویب دوفوریت آن نه‌تنها بی‌توجهی به هشدارهای نجبگانی تلقی شد، بلکه در نظر برخی، شائبه عبور شتاب‌زده از نظرات اجتماعی و کارشناسی را تقویت کرد. پرسش اینجاست که چرا مجلسی که در بسیاری از موارد دیگر خواستار بررسی کارشناسی و فرصت کافی برای بررسی لوایح بوده، در مورد چنین لایحه مهمی که با حقوق اساسی شهروندان گره خورده، به سرعت به تصویب دوفوریت رآی می‌دهد؟ آیا این شتاب‌زدگی، نشانه‌ای از نگاه امنیت‌محور به فضای رسانه‌ای کشور نیست؟

رسانه، امنیت و اعتماد: سه ضلع حکمرانی هوشمند
بسیاری از حامیان لایحه، با استناد به شرایط جنگ روانی و تهدیدات خارجی، از لزوم مقابله با اخبار نادرست سخن می‌گویند. اما تجربه نشان داده است که هیچ ابزاری برای مقابله با جنگ شناختی و مؤثرتر از شفافیت، پاسخ‌گویی و دسترسی آزاد به اطلاعات نیست. دولت‌ها زمانی در جنگ رسانه‌ای پیروز می‌شوند که مردم آن‌ها را صادق و قابل اعتماد بدانند. بستن فضا، مورد نظارت و جرم‌انگاری گسترده، نتیجه‌ای جز تضعیف اعتماد، گسترش خودسانسوری، و مهاجرت رسانه‌ای ندارد. در فضای رقابتی جهانی رسانه‌ها، بستن صداهای داخلی به تقویت رسانه‌های خارج‌چنینی انجامد، نه کاهش شایعات.

اکنون دولت در بزرنگاهی تاریخی قرار دارد. سکوت در برابر اعتراض‌های نجبگانی، رسانه‌ای و مردمی نسبت به لایحه مقابله با اخبار غیرواقعی، به‌معنای نادیده گرفتن حساس‌ترین لایه‌های اجتماعی و تحریب سرمایه اعتماد عمومی خواهد بود. دولت می‌تواند این لایحه را مسترد کند و الگوی تازه‌ای از حکمرانی مبتنی بر گفت‌وگو، شفافیت، و انعطاف سیاسی به نمایش بگذارد.

استرداد لایحه، نه شکست است و نه عقب‌نشینی؛ بلکه یک گام مهم در جهت بازسازی رابطه دولت و جامعه مدنی، ارتقاء مشروعیت اخلاقی دولت، و تحقق وعده‌های خود در زمینه مردم‌سالاری و گفت‌وگومداری است. آینده از همین تصمیم‌ها ساخته می‌شود.

پزشکیان در دیدار اعضای کمیسیون امنیت ملی مجلس:

به‌بهبود روابط با کشورهای همسایه و منطقه نیاز داریم

در طرح محله‌محوری فعال شوند و هر مسجد متولی رسیدگی به هزار نفر شود، آن وقت خواهیم دید که چقدر راحت‌تر مشکلات حل و نیازها تأمین می‌شود. پزشکیان در ادامه با اشاره به اقدام رژیم صهیونیستی در حمله به جلسه‌ای که سران قوا و مسئولان ارشد لشکری و کشوری در آن حضور داشتند، با بیان اینکه اگر این حمله به نتیجه رسیده بود کشور در عرصه مدیریت با مشکل جدی مواجه می‌شد، خاطرنشان کرد: این اتفاق باعث شد بیش از همیشه به این فکر بفریم که تا حد امکان قدرت و مسؤولیت‌ها توزیع شوند تا اگر خدایی ناکرده مشکلی برای مسئولان کشور بوجود آمد، اداره امور مختل نشود.

رئیس‌جمهور اضافه کرد: دشمن تصور می‌کرد در اثر حملاتش در تأمین نیازها از جمله آب، برق و نان اختلال ایجاد خواهد شد و مردم به خیابان خواهند آمد. اما تفویض اختیار به اساتدانرا، مانع از تحقق نیت دشمن شد. واگذاری مسؤولیت‌ها و اختیارات در چارچوب پیشبرد سیاست‌های کلان نظام و کشوری در آن حضور داشتند، با بیان اینکه اگر این حمله پزشکیان در ادامه با بیان اینکه واگذاری اختیارات به خصوص در مناطق مرزی باعث ایجاد انگیزه نزد مسئولان برای گسترش تعامل با کشورهای همسایه خواهد شد. اظهار داشت: اگر روابط همسایگی را تقویت کنیم تحریم‌ها بی‌اثر خواهند شد. امروز بیش از همیشه به بهبود روابط با کشورهای همسایه و منطقه نیاز داریم.

رئیس‌جمهور افزود: همه کشورهای همسایه از پاکستان و افغانستان و ترکمنستان تا آذربایجان، ارمنستان، ترکیه و عراق و همسایگان جنوبی ظرفیت‌های بسیار خوبی برای تعامل دارند که باید بیش از پیش برای فعال کردن آنها در راستای تأمین منافع متقابل تلاش کنیم.

